

نهادهای اجتماعی^۱

حشمت‌الله طیبی

نهاد، از جمله اصطلاحات جامعه‌شناسی است که کمتر مورد بحث قرار گرفته است. اگر هم در کتابهای علوم اجتماعی (تالیف ترجمه) که به فارسی منتشر شده‌اند، از آن سخن رفته است. تنها به یک یا چند تعریف کوتاه و ناقص و متفاوت از نهاد اجتماعی بسنده شده است. در صورتی که این لغت که معادل انگلیسی و فرانسه آن Institution است در زبان فارسی از آن دسته کلماتی است که در معانی و مفاهیم زیادی به کار رفته و کاربرد آن ریشه در گذشته فرهنگ و ادب پارسی دارد. این واژه امروز بیشتر در مفهوم جامعه‌شناسی به صورت «نهاد اجتماعی» بکار برده می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله علمی علوم انسانی

۱- معنی لغوی نهاد

نهاد اسم مصدر سرخم و حاصل مصدر و ریشه فعل نهادن لغت فارسی است که در متون نظم و نثر فارسی در معانی مختلف بکار رفته است. برخی از آنها ممکن است معنا و مفهوم جامعه‌شناسی نداشته باشد مانند: اداء دین^۲، پرداختن، وضع، حال، کیفیت، صورت، گذاشت و گذاشتن^۳ قرار و مواضعه^۴ و کلماتی که دارای معنا و مفهوم جامعه‌شناسی هستند مانند: رسم، آیین^۵، شعار، قاعده و قانون^۶، روش، بنیاد و اساس^۷، یکدلی و یکرنگی^۸، سنت و... بعضی نیز معنای روان‌شناسی دارند مانند: سرشت، طینت^۹، خوی و طبع^{۱۰}،

خمیره، ذات، گوهر، باطن ضمیر دل^{۱۱} و... و معانی بسیار دیگر که نقل آنها سبب اطاله کلام خواهد شد و الزاماً با معنی اصطلاح جدید جامعه‌شناسی یکی نیست.

در لغتنامه‌های فرانسه-فارسی و انگلیسی-فارسی، لغات زیر: بنگاه، مؤسسه، برقرارسازی، برپاسازی، تاسیس، برقراری رسم، معمول، عرف، برگماری، تعیین... معادل اصطلاح Institution ضبط شده‌اند^{۱۲} و جای لغت نهاد فارسی در بین این همه معنی خالی است. از این رو با توجه به آن دسته از معانی نهاد در متون فارسی و معنی تأسیس و مؤسسه در لغت‌نامه‌های فرانسه و انگلیسی که مفهوم جامعه‌شناسی دارند، بنظر می‌رسد بکار بردن لفظ نهاد (فارسی) معادل اصطلاح Institution که در چهل و اندی سال پیش بوسیله استاد دکتر غلامحسین صدیقی برای اولین بار در دروسهای جامعه‌شناسی بکار رفته است و مورد قبول جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان و مؤلفان و مترجمان کتب جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در ایران قرار گرفته، انتخابی اصولی و بجا بوده است. دکتر صدیقی خود در این باره گوید:

«نهاد ترجمه انستیتوسیون فرانسوی و انگلیسی است که در معنی تاسیس و مؤسسه تعبیر می‌شود، ولی از نظر اینکه کلمه تأسیس و مؤسسه وافی به مقصود نبوده، و چون بعضی از امور را نهاد می‌دایم که در لفظ تاسیس و مؤسسه درست معرفی نمی‌شوند. لذا انستیتوسیون را به «نهاد» ترجمه می‌کنیم»^{۱۳}

معنی لغوی انستیتوسیون

این واژه در سال ۱۱۹۰ در زبان لاتین به صورت *Institutio* به معنی بنگاه و بنیاد بکار رفته است. استثنائاً به معنی انتخاب (انتخابات در جمع) نیز آمده است، و در معنی مکتب یا مؤسسه یا جاهایی که افرادی در آنجاها به فراگیری علوم عالییه جمع می‌شوند نیز بکار برده شده است.

گاهی واژه انستیتوسیون به معنای «انتصاب» و به «منصب‌گماردن» هم بکار رفته است. در حقوق و قوانین مربوط به کلیسا، این واژه «اعطای عنوان از طریق هیئت روحانیون کلیسا به آن دسته از قدرتهای معنوی اطلاق می‌شود که کارکرد مذهبی دارند».

در یک کیفیت مطلق، کاربرد این واژه، ایجاد، دایر کردن، برقرار نمودن و تاسیس کردن است، بنابراین در رابطه با آن می‌توان از نهادهای ملی، نهادهای بین‌المللی و نهادهای مذهبی نام برد.

قوانین «Lois» جزء نهادهای قانونگذاری، آداب و رسوم «Les moeurs»، و گونه‌هایی از نهادهای مربوط به یک ملت «Nation» در یک زبان ملی است.

«در یک وضعیت کلی «انستیتوسیون‌ها» مجموعه‌ای از صور «les formes» یا ساختهای اجتماعی «Structures Sociales» هستند که توسط قانون یا عرف و عادات «les coutumes»

ساخته و پرداخته شده‌اند، بویژه آن دسته از آنها که برخاسته از حقوق عمومی یا مناسبات دولت با مردم است.^{۱۴}

معنی نهاد در علوم انسانی-اجتماعی

لفظ نهاد در علوم انسانی بویژه در زبان‌شناسی، روان‌شناسی و حقوق در معانی خاص بکار رفته است:

در زبان‌شناسی مبتدا «Subject» را که قسمتی از جمله خبری است «نهاد» گویند. در روان‌شناسی در مبحث شخصیت آن دسته از سوابق فیزیولوژیک انسان که کاملاً ناهشیارند نهاد «id» خوانده می‌شود.^{۱۵}

در علم حقوق نهاد معادل Institution و در دو معنا به کار رفته است یکی معنای موضوعی مانند نهاد سیاسی (حکومت)، دینی، خانوادگی و دوم، در معنای قانون که عبارت است از نهادی که از حقوق ناشی می‌شود، نهادی که از اخلاق حاصل می‌گردد، و نهادی که نتیجه رسوم اجتماعی است.^{۱۶}

در علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، انسان، شناسی) نیز نهاد فارسی معادل Institution است و اصطلاحاً نهاد اجتماعی به آن دسته از مؤسساتی گفته می‌شود که بوسیله آنها کنترل اجتماعی صورت می‌گیرد.

۲- تعاریف و مفاهیم نهاد اجتماعی

الف- تعاریف: از زمان آگوست کنت تا کنون تعاریف گوناگون و متنوعی از جنبه‌ها و دیدگاه‌های خاص برای نهاد اجتماعی شده است و جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان هر کدام برای این اصطلاح با توجه به خصوصیات و ویژگیها، ساخت و کار کرد آنها به نوعی تعریف پرداخته‌اند. تنوع تعاریف و مفاهیم نهاد اجتماعی بیانگر این واقعیت است که مفهوم جامعه‌شناسی این اصطلاح از آغاز تا به امروز دچار دگرگونی‌های چندی شده و در نتیجه دیدگاهها و نقطه نظرهایی (با توجه به ویژگیها و مفاهیمی که از این اصطلاح دارند) ارائه شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- تعریف نهاد از دید بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی

- آگوست کنت^{۱۷} فرانسوی که موضوع جامعه‌شناسی را حاصل بررسی ویژگیهای امر اجتماعی، و این حصول را در وفاق اجتماع می‌داند، همواره اصرار داشت که مباحث گوناگونی برای این دانش نوع‌نویس کند، از این رو جامعه‌شناسی را به دو بخش عهده تقسیم نموده است یکی جامعه‌شناسی «استاتیک»^{۱۸} یا ایستا و دیگری جامعه‌شناسی «دینامیک»^{۱۹} یا پویا. جامعه‌شناسی استاتیک یا ایستا، همبستگی‌های منظمی را که پدیده‌های اجتماعی و نهادهای مهم

مانند سیاست، اقتصاد، خانواده و مذهب به عنوان عوامل مهم اجتماعی با یکدیگر دارند مورد نظر دارد و به بررسی مناسبات موجود بین آنها می پردازد.^{۲۰}

به این اعتبار، آگوست کنت نهادهای عمده اجتماعی را «به منزله بخش عمده‌ای از قوانین کنش و واکنش نظام اجتماعی» می داند و مطالعه مناسبات بین آنها و تغییراتی را که در طی زمان و در جامعه انسانی به وجود می آید، مطمح نظر داشته است.^{۲۱}

- هربرت اسپنسر^{۲۲}، با اینکه تعریفی از نهاد اجتماعی از او در دست نیست، ولی وی نهادهای اجتماعی مانند: خانواده، سیاست، مذهب، نظارت اجتماعی، صنعت و کار را سیدانهای بحث جامعه‌شناسی می داند و معتقد است که مطالعه جامعه‌شناسی، تنها به پژوهش نهادهای گوناگون نظیر خانواده و یا مجموعه‌ای از کوششهای اجتماعی مانند نظارت اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه روابط بین عناصر مختلف یک جامعه را نیز در برمی‌گیرد.^{۲۳} به این ترتیب اسپنسر نیز مانند آگوست کنت روابط و مناسبات بین نهادهای اجتماعی را که عناصر اصلی ساخت جامعه هستند مورد نظر داشته است.

- امیل دورکیم^{۲۴} در تعریفی که از جامعه‌شناسی نموده است، آن را علم «نهادهای و تأسیسات اجتماعی» می داند، مقصود دورکیم از نهاد و تأسیسات اجتماعی که در تعریف جامعه‌شناسی بکار برده است «مجموعه‌ای از اصول و مقررات است که در جامعه پایه گرفته و بر رفتار انسان حکومت می‌کند، به طوری که سرپیچی از آنها مشکل و گاهی غیر مقدور می‌باشد». وی در این باره می‌گوید «در واقع می‌توان نهاد را به همه عقاید و شیوه‌های رفتاری اطلاق کرد که اجتماع نهاد یا تأسیس کرده باشد».^{۲۵}

- تعریف نهاد با تکیه بر روابط اجتماعی:

برخی از جامعه‌شناسان در تعریف از نهاد تکیه بر روابط اجتماعی داشته‌اند، از آن جمله «انکلس»^{۲۶} در تعریف نهاد می‌گوید «نهاد اجتماعی نظامی است با پیچیدگی کمتری از روابط اجتماعی»^{۲۷} - و عقیده دارد که «نهادهای باید به عنوان سنگ بنای اصلی جامعه تلقی گردد»^{۲۸}. بنظر هرتزل^{۲۹} نهاد اجتماعی عبارت است از «ساخت معینی از روابط صریح و معین بین اعضای یک جامعه که به تصویب عمومی رسیده باشد»^{۳۰}.

- تعریف نهاد با تکیه بر اعمال اجتماعی:

مارسل موس^{۳۱}، فوکونه^{۳۲} و سک ایور^{۳۳} از جمله کسانی هستند که در تعریف نهاد اجتماعی به اعمال اجتماعی تکیه نموده‌اند. از نظر مارسل موس و فوکونه «نهاد، اعمال و افکاری اجتماعی‌اند که فرد پیش از خود آنها را ساخته و پرداخته در برابر خود می‌باید، انتقال این اعمال و افکار اغلب از راه آموزش صورت می‌گیرد».^{۳۴}

سک دیور انگلیسی نیز در تعریف نهاد اجتماعی می‌گوید «اشکال استقرار یافته و یا شرایطی از طرز عمل و رویه‌هاست که فعالیت یک گروه را ویژگی می‌بخشد»^{۳۰}

- تعریف نهاد با تکیه به کنترل اجتماعی:

از کسانی که در تعریف نهاد اجتماعی به کنترل اجتماعی تکیه نموده‌اند می‌توان لستروارد^{۳۶} و هانری پرات^{۳۷} را نام برد. لستروارد می‌گوید «نهاد عبارت است از وسیله‌ای برای بازرسی و استفاده از نیروی اجتماعی»^{۳۸} هانری پرات نیز در لغت‌نامه جامعه‌شناسی «نهاد را نمونه والگوی رفتار منظم و بادوام و پیچیده و بفرنج که بوسیله آنها کنترل اجتماعی صورت می‌گیرد» تعریف نموده است.^{۳۹} منظور از کنترل اجتماعی، بازرسی و تفتیش نیست، بلکه غرض مراقبت و نظارت اجتماعی است

- تعریف نهاد با تکیه بر نیاز جامعه

در اینکه نهادهای اجتماعی بنا بر نیاز جامعه و برای تأمین حوایج جسمانی، حیاتی و نفسانی افراد بوجود می‌آیند تردیدی نیست، از این رو برخی از جامعه‌شناسان بر این اصل بدیهی تکیه نموده‌اند، از جمله جوزف -روسک^{۴۰} و رولند-وارن^{۴۱} در تعریف نهاد می‌گویند « نهادها انگارهای مستقری برای رفع نیازمندیهای متعدد انسانی هستند».^{۴۲}

- تعریف نهاد با تکیه بر ساخت اجتماع^{۴۳}

گروهی از جامعه‌شناسان نهاد اجتماعی را به منزله ساخت روابط بین افراد و گروههای اجتماعی تعریف نموده‌اند. به نظر پارسنز^{۴۴} «نهاد عبارت از روابط پایگاهی^{۴۵} است که در مقام اجتماعی دارای اهمیت ساختی و استراتژیک می‌باشد».^{۴۶} هابهاوس^{۴۷} انگلیسی نیز نهادهای اجتماعی را «مجموعه یا قسمتی از دستگاه زندگی اجتماعی می‌داند که از طرف جامعه به رسمیت شناخته شده باشد»^{۴۸}

- تعریف نهاد با تکیه به نقش و کارکرد^{۴۹}

عده‌ای از جامعه‌شناسان بویژه جامعه‌شناسان آمریکایی، کارکرد و نقش نهادهای اجتماعی را مدنظر داشته‌اند، از این دسته‌اند: آگ برن^{۵۰} و نیمکف^{۵۱}، به نظر آنها «نهادهای اجتماعی کارکردهای مهم و حیاتی جامعه انسانی هستند که به صورت پوششهای پیچیده در آمده‌اند»^{۵۲}

رویتر^{۵۳} نیز در فرهنگ اصطلاحات جامعه‌شناسی خود، تعریف زیر را از نهاد پیشنهاد کرده است:

«نهاد عبارت است از نظام متشکل شیوه‌های عمل و نقش‌های اجتماعی مبتنی بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و دستگاه تنظیم، اجرا و اداره مقررات»^{۶۴}

- تعریف نهاد با تکیه بر اصالت فرهنگ

غالب مردم شناسان و برخی از جامعه‌شناسان بر اساس اصالت فرهنگ نهاد اجتماعی را تعریف نموده‌اند از این گروه‌اند: سالینوفسکی^{۶۵} انسان‌شناس^{۶۶} انگلیسی که در تعریف نهاد می‌گوید «نهاد اجتماعی عبارت است از اجزاء واقعی فرهنگ که دارای حداقل ملاحظه‌ای از دوام و عمومیت و استقلال است»^{۶۷}

بنابر تعریف سامنر^{۶۸} و کلر^{۶۹} جامعه‌شناسان آمریکایی، «نهاد یا مؤسسه عبارت از فعالیتی حیاتی است که در مجموعه‌ای از آداب و رسوم و تشریفات محصور می‌باشد»^{۷۰} لیتن^{۷۱} نیز نهاد را عبارات از «مجموعه مدلهای فرهنگی که بیان‌کننده بعضی از نقش‌های کلی است» می‌داند.^{۷۲}

- تعریف نهاد از دید جامعه‌شناسان حقوقی

از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی حقوقی سوریس هوریو^{۷۳} پیش از دیگران به مفاهیم و معانی حقوقی نهاد توجه نموده در تعریف آن می‌گوید «نهاد فکر یا صورت علمی، اثر یا اقدامی است که تحقق می‌پذیرد و در یک محیط اجتماعی از جنبه حقوقی دیرپاست»^{۷۴}

بالاخره در جامعه‌ها، مرحوم دکتر علی شریعتی در توجیه اصطلاح نهاد اجتماعی می‌گوید «نهاد ترجمه کلمه Institution می‌باشد، و عبارت است از چیزی که همیشه هست، زبان، حکومت، هنر، خانواده، مذهب و... نهاد‌های اجتماعی هستند، اصولاً هر کلمه‌ای که (س-ت) داشته باشد علامت توقف، قرار گرفتن، انجماد و مستقر بودن است: ایست، بست، ایستادن استان، استخوان، ایستگاه،...» و اضافه می‌کند: «جامعه دارای دو جنبه است ۱- جنبه تحرک mouvement ۲- جنبه ثبات institution بنابراین نهادها عبارت از ساختمان اساسی اسکلت جامعه می‌باشند. نهادها همیشه در جامعه بشری پابرجا هستند و طبق احکام، مراسم، قوانین و سنت‌های مختلف انجام می‌شوند و تحقق پیدا می‌کنند»^{۷۵}.

نتیجه و حاصل این تعاریف

اولاً، اصطلاح نهاد اجتماعی دربرگیرنده بخش عمده‌ای از قوانین کنش و واکنش نظام اجتماعی و همبستگی‌های منظمی است که پدیده‌های اجتماعی بایکدیگر دارند (همان‌طور که «اگوست کنت» به آن اشاره کرده است) بعلاوه برخی ویژگی‌های امر اجتماعی را نیز که از جامعه نشأت گرفته است و فرد ملزم به رعایت اصول و مقررات آنهاست شامل می‌شود (یعنی موضوعی که «دور کیم» به آن تکیه می‌کند).

ثانیاً، این اصطلاح به اهمیت پدیده‌های اجتماعی همانند علایق عمده و مهم اشاره می‌کند (همانگونه «سائز» گوشزد می‌کند) و با علایقی که از لحاظ ساختی، نقشی و استراتژیک مهم هستند سروکار دارد (نکته‌ای که «پارسنز» بر آن اصرار می‌کند).
ثالثاً به الگوهای ارزشی، آداب، رسوم و تشریفات توجه می‌کند (که «سامنر و کالر» آن را مؤکد ساخته‌اند) همچنین عمومیت و دوام نهادها نظر دارد (که مالتیوفسکی به آن اشاره می‌کند) و بالاخره متضمن اعمال و افکار اجتماعی است که قابل انتقال می‌باشند (که مارسل موس در تعریف خود از آنها یاد می‌کند) اینان جملگی عناصر تشکیل دهنده نهادهای اجتماعی هستند.

ب- مفاهیم نهاد

نهاد اجتماعی به مثابه شالوده سازمان اجتماعی است و در تمام جوامع انسانی وجود دارد و به برخی از مسائل عمومی زندگی اجتماعی تنظیم یافته پاسخ می‌گوید.
نهاد اجتماعی سه جنبه عمده دارد:

۱- نهادها الگوی رفتاری را نظم می‌دهند و با مسائل عمده و دائمی هر جامعه‌ای سروکار دارند.

۲- نهادها، قواعد و مقررات رفتار افراد را در هر جامعه برحسب الگوهای سازمان یافته مداوم و معین دربرمی‌گیرند.

۳- این الگوها در برگیرنده هنجارها و مقررات دستوری است، یعنی این مقررات نگهدارنده و حمایت کننده هنجارها و محرکاتی هستند که بوسیله آنها، الگوها صورت قانون پیدا کرده‌اند.
این عناصر نهادی به شکلهای مختلفی در تعاریف موجود مورد تایید قرار گرفته‌اند، بنابراین به نظر می‌رسد که نهادها یا الگوهای نهادی شده در واقع اصول و مبانی تنظیم کننده‌ای هستند که اکثر فعالیت‌های فرد را در جامعه زیرپوشش دارند و برحسب الگوهای سازمانی معین و مسائل اساسی جامعه به زندگی اجتماعی سازمان می‌بخشند.

این ملاحظات، جامعه‌شناسان را برآن داشته است که برای نهادهای اجتماعی دو مفهوم متمایز از یکدیگر در نظر بگیرند که یکی از آنها را می‌توان مفهوم «واقعی» و دیگری را مفهوم «تحلیلی» دانست. هنگامی که سخن از نهادها در مفهوم واقعی میان می‌آید، مراد نهادهای آشنایی چون خانواده، حکومت و مذهب است، و منظور از مفهوم تحلیلی نهادها عبارت از مجموعه‌ای از اعمال و شیوه‌های اجتماعی است که در بسیاری از نهادهای واقعی وجود دارد و هر جامعه‌ای به هنگام نیاز در پرتو آنها می‌کوشد با بهره‌گیری از نظام تولید و توزیع بر اعمال و نیازهای اساسی خود نظارت کند. فی‌المثل هنگامی که درباره ساخت قدرت

به مفهوم تحلیلی آن سخن می‌گوییم منظور ما طرز تشکیل قدرت و اعمال آنها نه تنها در نهاد سیاسی است، بلکه شامل تاسیسات اجتماعی (آسوزشی- حقوقی، اقتصادی) همچنین گروه‌های مختلف می‌باشد. بنابراین ساختهای تحلیلی نهادها، ساخته پرداخته ذهن اند که از واقعیت ملموس نهاد‌های واقعی منتزع شده‌اند، در حقیقت مجموعه نهاد‌های واقعی ساخت یک نظام اجتماعی را بوجود می‌آورند و نهاد‌های تحلیلی به منزله خرده نظام‌های آن Sub-System تلقی می‌گردند.^{۶۶}

گاهی نهاد در مفهوم رسم و آیین بکار برده می‌شود و صفات عمده اجتماعات مخصوصی را که از لحاظ زیستی در چند نسل دوام یافته و نمایانگر مقاومت آنها در برابر بلایا و تغییرات جامعه است نشان می‌دهد. مانند جشنهایی که به هنگام عوض شدن فصول برپا می‌کنند، این رسوم همیشگی هستند و در بین تمامی مردم رواج دارند، خواه در اجتماعات زندگی کنند و یا بصورت خویشاوندی و قرابت. کنترل تولید و تقسیم کالاها و اجناس، برپائی آیینهای مقدس، تنظیم و ازین بردن غائله‌ها، تعیین اشخاص برحسب جنس و سایر مشخصاتی که توسط آنها طبقه بندی شده‌اند، همگی دستخوش عادات و رسوم یعنی نهادها هستند.

در علم حقوق نهادها در دو مفهوم جداگانه بکار برده می‌شوند یکی مفهوم عملی و دیگر مفهوم آگاهانه یا هنجاری، در مفهوم «عملی» نهادها خود بخود و تقریباً بطور مکانیکی، بواسطه بازی جبر و تحول پا به عرصه وجود گذاشته‌اند، این قبیل نهادها حتی اگر انسان نیز از موجودیت آنها آگاهی نداشته باشد وجود دارند.

در مفهوم آگاهانه یا هنجاری، نهادها آنانی هستند که انسانهایی که آنان را قالب بندی می‌کنند، به موجودیت آنان علم دارند، نهاد‌های حقوقی مقوله‌ای از نهاد‌های آگاهانه یا هنجاری به شمار می‌آیند که عبارت اند از: نهاد‌هایی که از حقوق ناشی می‌شوند نهاد‌هایی که از اخلاق حاصل می‌گردند و نهاد‌هایی که نتیجه رسوم اجتماعی اند.^{۶۷}

علاوه براین از دید جامعه‌شناسی حقوقی ژرژ گورویچ^{۶۸} نهاد در مفهوم اصلی خود «گزارشگر عنصر صرفاً خود جوش، پوینده و توانمند متعین حیات حقوقی است که عمیق‌ترین لایه واقعیت اجتماعی حقوق است.»^{۶۹}

بالاخره باتومور معتقد است از میان مفاهیم مختلف مفیدتر از همه مفهومی است که ساخت اجتماعی را متشکل از نهادها و گروه‌های عمده جامعه می‌داند و می‌گوید، تشخیص این نهادها و گروه‌ها چندان مشکل نیست، می‌توان استدلال کرد که وجود جامعه انسانی مستلزم ترتیبات یا فرایندهای خاصی است و حداقل این الزامات عبارت انداز: نظام ارتباطی، نظام اقتصادی، نظام اقتدار و توزیع قدرت، نظام مناسک به منظور حفظ یا افزایش همبستگی و...^{۷۰}

۳- اهمیت نهاد‌های اجتماعی

هربرت اسپنسر در نخستین جلد کتاب اصول جامعه‌شناسی در باره اهمیت نهاد‌های

اجتماعی می‌نویسد: جامعه‌شناسی باید روشن کند که نسلهای بعدی چگونه پدید می‌آیند، چگونه رشد می‌کنند، و به چه طریق برای همکاری آماده می‌شوند. وی در پاسخ به این سؤال نهادهای اجتماعی را در نظر می‌گیرد و نهاد خانواده و خویشاوندی را مورد توجه قرار داده می‌نویسد: این خانواده است که درجه اول اهمیت را داراست و پس از آن جامعه‌شناسی باید به موضوع نهاد حکومت توجه نموده، رشد «سازمان سیاسی» را مورد مطالعه قرار دهد که چگونه و از چه راههایی امور جامعه را تنظیم می‌نماید و فعالیتهای اعضای آن را هماهنگ می‌سازد. همچنین درباره تکامل ساختهای مذهبی و کارکرد آنها، باید توضیح داده شود، سپس «نظام و محدودیتها» که باید از برخی اقدامات افراد جامعه جلوگیری کند، مورد مطالعه قرار گیرد. مراد اسپنسر از نظام محدودیتها همان عاملی است که امروزه در جامعه‌شناسی «نظارت اجتماعی» که یکی از ویژگیهای نهادهای اجتماعی است نامیده می‌شود.^{۷۱}

بعلاوه اهمیت نهادهای اجتماعی تا حدی به تأثیر پذیری آنان مربوط است. با اینکه ارتباط دادن تشکیل نهادها به یک مسئله اساسی حیات اجتماعی مفید و تا اندازه‌ای صحیح است. ولی نباید چنین پنداشت که سهم هر نهادی در حیات اجتماعی محدود به همان مسئله اساسی است، بلکه هر دسته از نهادها به انواع مختلف در درجات اجتماعی تأثیر دارند. فی-المثل خانواده یک واحد تولیدی است و در عین حال در توزیع کالاها تأثیر دارد، و یا نهاد اقتصاد نه تنها کالاها و خدمات را توزیع می‌کنند، بلکه باید دارای یک نظم داخلی باشد که شامل نظارت بر قدرت و اعمال قدرت قانونی است.

برخی از جامعه‌شناسان عقیده دارند نهادهای اجتماعی در واقع، مرکز ثقل توجه جامعه‌شناسان است از این رو آنها باید به عنوان سنگ بنای اصلی جامعه تلقی کرد.^{۷۲}

در جامعه‌شناسی استاتیک (ایستا)، اگوست کنت نیز نهادهای اجتماعی مانند اقتصاد، خانواده و سیاست به عنوان عوامل مهم اجتماعی بشمار آمده‌اند و جامعه‌شناسی استاتیک (ایستا) مبتنی بر مطالعه مناسبات موجود بین این نهادهاست.^{۷۳}

شاید بر همین اساس باشد که دور کیم نیز جامعه‌شناسی را به علم نهادهای اجتماعی تعریف نموده و معتقد است که جامعه‌شناسی باید مجموعه‌ای از نهادها و پویسهای اجتماعی را مورد مطالعه قرار دهد. بعلاوه او با اینکه هدف جامعه‌شناسی را مطالعه نهادها و پویسهای اجتماعی می‌داند اهمیت تجزیه و تحلیل روابط بین نهادها و همچنین مناسبات بین نهادها و محیط را نیز تأیید می‌کرد.^{۷۴}

ماکس وبر نیز با اینکه جامعه‌شناسی خود را بر پایه تعریف اعمال گوناگون اجتماعی و یا روابط بین آنها پی‌نهاد است، با این حال بیشتر به تجزیه و تحلیل نهادهای صریح اجتماعی

از قبیل مذهب و جنبه‌های گوناگون زندگی اقتصادی، سازمانهای سیاسی وضع قدرت و غیره پرداخته است.

بالاخره این چهار جامعه شناس بنیانگذار معتقدند که جامعه‌شناسی نخست باید به مطالعه نهادهای اجتماعی گوناگون از خانواده گرفته تا حکومت پردازد و این نهادها نیز باید به اعتبار جنبه خاص خود، صرفاً از دیدگاه ویژه جامعه‌شناسی مورد بحث و مطالعه قرار گیرند.^{۷۵} در اهمیت نهادهای اجتماعی به این نکته هم باید توجه نمود که جوامع انسانی برای نهادهای عمده اجتماعی اهمیت‌های متفاوتی قابل هستند. در برخی از جامعه‌ها خانواده بخصوص بنیان استواری دارد و مجری انگاره‌های نهادی مهمی از قبیل حمایت اعضا خانواده یا تامین معاش و غذا، یا انتظام زندگی مذهبی و بالاخره تعلیم و تربیت می‌باشد، در جوامع دیگر ممکن است نهادهای دیگری سهم تلقی شوند. چنانچه در برخی از جوامع نهادهای دینی و سیاسی همبستگی نزدیکی بایکدیگر دارند (مانند ایران اسلامی) و در بعضی دیگر این نهادها را عالم‌اً و عامداً از یکدیگر جدا نگاه داشته‌اند، بعلاوه در جریان دگرگونی اجتماعی انتقال کار کردهایی را از نهاد عمده‌ای به نهاد دیگری می‌توان مشاهده کرد.

۴- شیوه‌های مطالعه نهادهای اجتماعی

جامعه‌شناسان برای مطالعه نهادهای اجتماعی شیوه‌هایی را بکار می‌برند که از آن میان سه روش تحلیلی متداول را نام می‌بریم:

الف- تحلیل تاریخی که به ردیابی نشانه‌های توسعه و بسط یک نهاد از گذشته دور تا زمان حاضر می‌پردازد، این روش را بیشتر مردم شناسان فرهنگی و اجتماعی به منظور شناخت ریشه و منشاء نهادها بکار برده‌اند، نظریه تحولی مورگان^{۷۶} درباره نهاد خانواده و سیر تحول آن از نظام بی‌سامان تا خانواده جدید هسته‌ای^{۷۷} و یا نظریه تحولی جان لباک^{۷۸} درباره دین و سیر تحولی آن از بی‌اعتقادی تا اعتقاد به یکتاپرستی مطلق از این قبیل است.^{۷۹}

ب- تحلیل مقایسه‌ای که شامل مطالعه نهاد واحدی در جوامع مختلف یا در میان قشرهای متفاوت می‌گردد، نظیر چگونگی اشکال ازدواج، مالکیت، حکومت و دین در جوامع گوناگون به منظور مقایسه و ردیابی تغییرات بنیانی که در این قبیل نهادها صورت می‌گیرد. در این مورد می‌توان فی‌المثل به مطالعات فوستل دو کولانژ^{۸۰} در باره خانواده و دین اشاره کرد.^{۸۱}

ج- بالاخره ممکن است نهادهای اجتماعی را با توجه به شیوه‌هایی که آنها را با جامعه مربوط می‌سازد مورد مطالعه قرار داد، این شیوه تحلیلی تاکید بر روابط متقابل کارکردی دارد بعلاوه با تحلیل تاریخی و گاهی با تحلیل مقایسه‌ای نیز همراه است.

۵- خصوصیات و ویژگیهای نهادهای اجتماعی

باتوجه به تعاریف و مفاهیمی که از نهادهای اجتماعی ارائه شد، معلوم گردید مقصود از نهادهای اجتماعی «مجموعه اعمال و افکاری هستند که فرد آنها را ساخته و پرداخته در برابر خود می یابد و آنها خود را بیش و کم به افراد تحمیل می کنند» بعلاوه نهادها و تأسیسات اجتماعی به آن دسته از اموری اطلاق می گردد که بر اثر نیازمندی های یک جامعه بوجود می آیند و دوام می یابند، منتها نباید این ضرورت را در هر مورد و در هر اجتماع یکسان دانست، بلکه تا در جامعه ای نیازی نباشد مؤسسه ای نمی تواند بوجود آید و استمرار یابد، از این رو جامعه شناسان برای نهادهای اجتماعی خصوصیات قایل اند.

الف: نهاد در طبیعت جامعه نهفته است، یعنی اعضای جامعه در ایجاد آن نقشی ندارند بلکه بنا بر نیاز جامعه و برای تأمین حوایج جسمانی، نفسانی و حیاتی افراد بوجود می آیند.
ب: نهاد دوام دارد، یعنی همیشگی و ثابت است قبل از فرد بوده، هست و خواهد بود، و فرد آنها را ساخته و پرداخته، در برابر خود می یابد.

ج: نهاد انحلال ناپذیر است، یعنی از آنجا که ثابت و همیشگی است و اعضای جامعه در ایجادش نقشی ندارند بدیهی است نمی توانند آن را منحل سازند.

د: نهاد عمومیت دارد، یعنی جهانی است و در تمام جوامع انسانی خواه جامعه ساده ابتدایی، خواه جامعه تطور یافته صنعتی و پیشرو وجود دارد.

ه: نهاد تحول پذیر است یعنی پویا است و روند و تاریخ دارد.

و: نهاد تحمیل شونده است، یعنی خود را کم و بیش بر افراد تحمیل می کنند، به قول دورکیم «نهاد اجتماعی مجموعه ای از اصول و مقررات است که در جامعه پایه گرفته و بر رفتار انسان حکومت می کند، بطوری که سرپیچی از آنها مشکل و نامقدور می باشد»
به این ترتیب اصطلاح نهاد اجتماعی در معنی واقعی به آن دسته از تأسیسات اجتماعی اطلاق می گردد که دارای این خصوصیات باشند.

۶- انواع نهادهای اجتماعی

- جامعه شناسان برای نهادهای اجتماعی باتوجه به تعاریف، مفاهیم و خصوصیات و ویژگیهای آنها که برشمردیم انواعی قائل اند.
- ۱- نهادهای اصلی که نهادهای خاص و نخستین^{۸۲} نیز به آنها گفته می شود مانند نهاد خانواده، حکومت، دین و....
 - ۲- نهادهای فرعی و موقتی که نهادهای عام و ثانوی^{۸۳} نیز نامیده می شوند مانند تأسیسات و مؤسسات ورزشی، تفریحی، تجاری و غیره.

الف: نهادهای اصلی و اساسی

اکثر جامعه شناسان دست کم در باب چهار دسته یا مجموعه نهادهای عمده با هم توافق دارند، نخستین مجموعه شامل نهادهای خانواده و خویشاوندی است که بر نظام تولید مثل و بیولوژیکی افراد جامعه و اجتماعی کردن اولیه عضو جهید در هر نسل توجه دارد، بعلاوه تاسین یک چهار چوب استوار و مطمئن برای تعلیم و تربیت جوانان و در نهایت انتقال میراثهای فرهنگی جامعه از یک نسل به نسل دیگر را در بر می گیرد.

دومین مجموعه، نهادهای سیاسی را در بر می گیرد که ناظر بر اعمال قدرت و شیوه انحصاری استفاده قانونی از آن است، بعلاوه این مجموعه کنترل کاربرد قدرت در درون جامعه و پاسداری از صلح در درون و برون مرزهای قانونی و کنترل بسیج منابع حیاتی برای اجرای اهداف مختلف سیاسی حکومت و مملکت را بر عهده دارد. سومین مجموعه عبارت است از نهاد های اقتصادی که به تنظیم مقررات تولید و توزیع و مصرف کالاها و خدمات در درون هر جامعه ای می پردازد.

چهارمین مجموعه شامل نهادهای فرهنگی از قبیل، هنر (نمایش - موسیقی، نقاشی) که مبین افکار و عقاید و ارزشهاست. سازمان های علمی، مذهبی، فلسفی و تربیتی نیز جزء این مجموعه بشمار می آیند. کارکرد عمده این مجموعه فراهم نمودن شرایطی است که خلاقیت فرهنگی و حفظ میراثهای فرهنگی را تسهیل می کند.

علاوه بر این چهار مجموعه بیشتر جامعه شناسان نهادهای دینی را در زمره نهادهای عمده اجتماعی دانسته اند.

بنیانگذاران جامعه شناسی (اگوست کنت، اسپنسر و دور کیم) نهادهای خانواده، مذهب، حکومت و اقتصاد را نهادهای عمده اجتماعی می دانند. هر تزلر^{۸۴} در کتاب «تأسیسات اجتماعی» از نه سوسه یا نهاد مهم نام می برد و آنها را به منزله پایه های کلیه نهادهای دیگر می داند. این نهادها عبارت اند از: خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی، صنعتی، علمی، بهداشتی، تفریحی و ارتباطی. و ساموئیل کنیک شش نهاد زیر را عمده ترین تأسیسات اجتماعی دانسته است: اقتصادی، حکومتی، دینی، خانوادگی تربیتی و تفریحی^{۸۵}

نویسندگان زمینه جامعه شناسی (آگ برن و نیمکت) در بحث از نهاد اجتماعی می نویسند «نهادهای اجتماعی متعددند، شبکه پویشهای اقتصادی و شبکه پویشهای خانوادگی به منزله مهمترین نهادهای اجتماعی هستند، شبکه پویشهای دینی در گذشته نهادی معتبر بوده است، شبکه پویشهای سیاسی نهادی است که پیش از این بصورت ناقص و کم اهمیت وجود داشته و در عصر حاضر اعتبار فراوان یافته است، همچنین شبکه پویشهای آموزش و پرورش اکنون نهادی

مستقل است که سابقاً وابسته نهادهای اقتصادی، خانوادگی و دینی شمرده می شده است.^{۸۶} بالاخره جوزف روسک و رولند وارن جامعه شناسان آمریکایی درباره نهادهای عمده اجتماعی می نویسند: «جوامع انسانی برای نهادهای عمده اجتماعی اهمیت های متفاوتی قائل هستند، در برخی از جامعه ها، خانواده (بخصوص، بنیان استواری دارد و سگری انگاره های مهمی از قبیل حمایت اعضاء خانواده، یا تامین معاش و غذا، یا انتظام زندگی مذهبی اشان می باشد و در جوامعی دیگر ممکن است نهادهای دیگری مهم تلقی شوند».^{۸۷}

در جامعه ما دکتر غلامحسین صدیقی، خانواده، دین و حکومت را نهادهای اصلی و اساسی ذکر کرده است. دکتر علی شریعتی نیز زبان، حکومت، هنر، خانواده و مذهب را نهادهای اجتماعی نام برده است.^{۸۸} شهید مطهری نیز در کتاب جامعه و تاریخ می گوید: «جامعه از نهادها و تاسیسات اصلی و فرعی تشکیل شده است، این نهادها و افرادی که این نهادها به آنها وابسته است همه به یکدیگر پیوسته اند، تغییر در نهادی اعم از نهاد فرهنگی مذهبی، اقتصادی، سیاسی، قضایی و تربیتی موجب تغییراتی در نهادهای دیگر است».^{۸۹}

ب- نهادهای فرعی و موقتی

نهادهای فرعی و موقتی که شامل سازمانهای ورزشی، تفریحی، تجاری، آموزشی و غیره است. از آنجایی که بنا بر نیاز و باراده و توافق اعضاء جامعه ایجاد می گردند، تازمانی که کار کرد آنها مورد نیاز جامعه باشد دوام می آورند، و وقتی نیاز برطرف شد، رفته، رفته متلاشی می شوند. با این حال این حقیقت را نباید از دیده دور داشت، که نهادها و سازمانهای اجتماعی هر یک بمنزله کلی است که از جزءهای متعددتر کیب یافته است، که هر یک از این اجزاء به نوبه خود به منزله دستگاهی منظم هستند، به قول آگ برن و نیمکف «کار کردهای هر سازمان اجتماعی به اقتضای دوام نسبی خود، مایه استواری و ثبات سازمان می شوند، از این رو هر سازمان اجتماعی موافق کار کردهای خود، هنجارها یا رفتارهای مقبول معینی را برمیگزیند و رعایت آنها را از اعضاء خود می خواهد».^{۹۰} این قبیل نهادها را جامعه شناسان از لحاظ معنای نهادهای عام و در مفهوم «هرچه مورد نیاز جامعه» نیز تعبیر نموده اند، که عبارتند از تماسی مؤسسات و سازمانها و بنگاهها و مقررات اجتماعی که بنا بر نیاز جامعه به وجود می آیند. بعضی از این مؤسسات تا زمانی که جامعه به آنها نیاز دارد پابرجا بمانند و زمانی که نیازی نباشد منحل می گردند. این قبیل نهادها (مؤسسات) چون به نیازهای درجه دوم انسان پاسخ می گویند و غالباً از متفرعات نهادهای نخستین و اصلی و اساسی بشمار می روند، از این رو به آنها نهادهای دومین نیز گفته می شود. این نهادها برخلاف نهادهای اصلی و اساسی قابل انحلالند و عمومیت و ضرورت جهانی نیز ندارند، بلکه وجود آنها بسته به نیاز جامعه است، اگر جامعه ای نیازمند

یکی از این نوع نهادها شد در آن جامعه بوجود می‌آید، به علاوه هرچه جامعه گسترده‌تر و پیچیده‌تر باشد تأسیسات اجتماعی از نوع نهادهای دومین یا فرعی آن بیشتر و فراوان‌ترند و برعکس هرچه جامعه کوچک و ساده باشد (مانند جامعه ابتدایی) چون دارای روابط ساده و محدود است لذا تأسیسات اجتماعی آن نیز پیچیده و متعدد نیستند. به علاوه جامعه ساده اصولاً نیازی به مؤسسه‌های گوناگون با کارکردهای متنوع ندارد، چون در این قبیل جوامع یک مؤسسه می‌تواند به کارهای اجتماعی گوناگون پردازد.^{۹۱}

علاوه بر انواعی که برشمردیم، حقوق دانانی که دیدگاه جامعه شناختی دارند بویژه دانشمندان فرانسوی به انواع دیگر نهاد قایل هستند. از جمله موریس هوریو به دو نوع نهاد که در برابر هم قرار دارند اشاره نموده است یکی «نهادها-گروهها»^{۹۲} یا بدنه‌های اجتماعی، این نوع نهاد برای اینکه از لحاظ حقوقی وجود یابد و موجب احکام خود سامان حقوق اجتماعی گردد، نیازمند آن نیست که در فعل و عمل خارجی خود در قرارگاه یک شخصیت حقوقی بنشینند، در نتیجه حلقه‌ای از تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان یک صنعت و یک کارخانه و یک خانواده نهاد و گروه‌اند و نیز سندیکاها و شرکت‌های سهامی و کلیساها و... این چنین‌اند.^{۹۳} دوم «نهادها-اشیاء»^{۹۴} یا مناسبات بادیگری، به عبارت دیگر «روابط حقوقی» بین افراد که در محیط اجتماعی دیرپا و موجود نظم حقوقی ویژه خویشند که در قراردادها، مالکیت‌ها و طلب‌ها تجلی می‌یابد.^{۹۵}

۷- تبیین رفتار نهادی شده^{۹۶}

اگرچه نهادهای عمده را می‌توان در اشکال گوناگون در هر جامعه‌ای پیدا کرد، اما جوامع برحسب اصول تنظیم شده واقعی توسط این نهادها متفاوت‌اند. جوامع از لحاظ تبلور نهادی (جزئی) نظیر انواع آیین‌ها یا مجموعه آداب و رسوم، از یک سو و سنت‌های فولکلوریک^{۹۷} و یا شیوه‌های هنری از سوی دیگر متفاوت می‌باشند.

این اصول نهادی واقعی و ساختار آنها، برحسب میزان کلیت آنها یعنی عمومیتی که این اصول نهادی در اکثر جوامع و گروه‌های اجتماعی دارند، باعمومیتی که در یک جامعه خاص دارند وحد و میزان نهادی شدن آنها متفاوت است.

نهادهای به دولحاظ در ماهیت هر نوع جامعه‌ای وجود دارند یکی از لحاظ الگوهای تنظیم‌کننده رفتاری و دیگر به عنوان قلمروهای نهادی، به این اعتبار نهادها جزئی از تعریف اصلی هر جامعه‌ای به شمار می‌روند و در کنار نظم اجتماعی وجود دارند، از این رو رفتار نهادی شده، بعنوان شکل تکامل کلی در جامعه بشری و یکی از کیفیات اساسی متجلی شده جامعه بشری است.^{۹۸}

آگ برن ونیمکف در این باره می نویسد: «نهادهای اجتماعی شیوه‌های منظم بازبینی‌های شخصی برای فعالیت به اعضای جامعه عرضه می‌دارند و موجب «نهادی گردانیدن»^{۱۰۱} کارکردهای انسانی می‌شوند. بعلاوه معتقدند که «نهادی گردانیدن جریانی است که انسان را از آغاز زندگی در برمی‌گیرد و نیروهای او را در مسیرهای مجاز و مختار جامعه هدایت می‌کند و «هنجارهای اجتماعی»^{۱۰۰} را متحقق می‌سازد»^{۱۰۱}.

۸- ساخت و فونکسیون نهادهای اجتماعی

نهادهای و تاسیسات اجتماعی دارای دو وجه اصلی است «ساخت»^{۱۰۲} و «کارکرد». وضع ناشی از روابط نسبتاً پایداری که میان اجزای سازمان برقرار است «ساخت»، و هر یک از کارهایی که به وسیله سازمان صورت می‌پذیرد «کارکرد» آن است. بی‌گمان ساخت نهادهای در کارکرد آنها موثر است، و تغییر کارکرد نیز، منجر به تغییر ساخت می‌شود، اما میان این دو وجه آنکه بیشتر مورد توجه جامعه‌شناسان است، کارکرد نهاد یا سازمان است. با این حال، نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که نهاد اجتماعی به منزله کلی است که از جزءهای متعدد ترکیب یافته است که هر یک از این اجزاء به نوبه خود به منزله دستگامی منظم هستند، بقول آگبرن ونیمکف «کارکردهای هر سازمان اجتماعی موافق کارکردهای خود، هنجاریها یا رفتارهای مقبول معینی را برمی‌گزینند و رعایت آنها را از اعضا خود می‌خواهد»^{۱۰۴}.

به عقیده روسکو و وارن نهادهای بدن جهت وجود دارند که نیازهای بشر را برآورده سازند از این رو دارای کارکردند، مع الوصف گاهی اوقات ممکن است نهادی بی آنکه کارکرد اولیه خود را انجام دهد پایدار بماند. ^{۱۰۵} بارنز^{۱۰۶} نیز در مطالعه جامعی در باره نهادهای اجتماعی می‌گوید: ساخت اجتماعی دستگامی را که از طریق آن جامعه بشری سازمان می‌یابد، جهت پیدا میکند و وظایف متعدد و چندگانه خود را که برای برآوردن نیازهای انسانی لازم دارد به مرحله اجرا در می‌آورد، نهاد اجتماعی خوانده می‌شود. بنابراین نباید تصور کرد که هر مؤسسه‌ای فقط یک وظیفه دارد بلکه کارکردهای متعددی دارد که با آنها نیازهای جامعه را برآورده می‌سازد، مانند خانواده که از فرزندان خود مواظبت می‌کند، اعضاء همدیگر را کمک کرده و به هم محبت نموده یکدیگر را محافظت می‌کنند. بعلاوه خانواده معمولاً به وظیفه اقتصادی خود عمل می‌کند و از انجام تشریفات و شعائر مذهبی کوتاهی نمی‌ورزد.

۹- تبیین و تحلیل نهادهای اجتماعی

از میان مفاهیم و تعاریفی که از نهادهای اجتماعی شده است، به نظر باتومور مفیدتر از همه مفهومی است که ساخت اجتماعی را متشکل از نهادهای و گروههای عمده جامعه می‌داند ^{۱۰۷}.

تشخیص این نهادها چندان هم مشکل نیست، می‌توان استدلال کرد که وجود جامعه انسانی مستلزم ترتیبات یا فرآیندهای خاصی است، یا همان‌طور که گفته شده است برای وجود جامعه بعضی «شرایط کارکردی» ضرورت دارد. [۱۱]

تجلی نهادها در تاریخ اجتماع بشری، فرض کلی بودن و عمومی بودن برخی از اشکال ساختی مثلا «تابوی زنا با محارم» و یا تنوع اشکال نهادی در جوامع متعدد مثلا «گسترش اقتصاد مبتنی بر بازار» در مقایسه با «اقتصاد معیشتی مبادله‌ای» به صورت مختلف تبیین شده است. یکی از تحلیل‌های متداول در رابطه با نیاز افراد و جوامع و روابط بین آنان است. از این رو نهادها (هم نهاد عینی عمومی آن، هم الگوی نهادی گوناگون در معنی ویژه آن) را به مثابه فراهم آوردن چنین نیازهایی و اطمینان به بقا جامعه و کارکرد افراد در درون آن بیان کرده‌اند. برای مثال، می‌توان از تبیینی که لوی استروس^{۱۰۸} از اشاعه ازدواج میان پسرعمو و دخترعمو که برحسب «بقاء» و «انطباق بهتر» به جامعه نموده است. بهره‌گرفت^{۱۰۹}

تحلیل‌های متداول دیگری بویژه درباره الگوهای نهادی واقعی، برحسب نیازهای سایر نهادها از روندهای اجتماعی، دموگرافیک و تکنولوژیکی و یا آنچه که Eco systems گفته می‌شود، و یا برخی قوانین روان‌شناسی عمومی که بر رفتار انسان حاکم است بعمل آورده است، مثلا فورتس^{۱۱۰} و ایوان پریچارد^{۱۱۱} در مقدمه‌ای که درباره نظامهای سیاسی آفریقا^{۱۱۲} نوشته‌اند تفاوت میان نظام متحرک و پراکنده سیاسی را برحسب روند جمعیتی معینی نظیر تراکم نسبی جمعیت و با برحسب نزدیکی برخی از نهادهای خانوادگی و خویشاوندی به این ساختهای سیاسی تبیین کرده‌اند، بهمان سیاق گسترش نظام فئودالی^{۱۱۳} یا پاتریمونینال^{۱۱۴} را برحسب بعضی شرایط اقتصادی،^{۱۱۵} اکولوژیکی (نظیر اقتصاد طبیعی یا مبادله‌ای) و یا برحسب نیازهای نهادی سیاسی و فرهنگی همچنین الگوهای نهادی زندگی عشیره‌ای را برحسب الگوی اکولوژیکی^{۱۱۶} استپ‌ها تعیین کرده‌اند.

تحلیل دیگری از نهادهای اجتماعی برحسب تمایلات و گرایشهای روان‌شناسی و یا برحسب ترکیبی از قوانین اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناسی به عمل آمده است. این کار توسط مردوک^{۱۱۶} صورت گرفته است. تحلیل وی از اصطلاحات خویشاوندی و سکونت، ترکیبی از اصول گوناگون تحلیل‌های روان‌شناسی، نظریه‌های آموزشی و برخی اصول معین مردم‌شناسی ساختی صورت گرفته است.^{۱۱۷}

بعلاوه انواع نهادهای فرعی یعنی مجموعه‌ای از سنت‌ها و فولکلورها نظیر آشناسازی با مناسک یا الگوهایی که بر حسب ارضای نیازهای مختلف و یا حل تضادهای روانی که بین اعضاء جامعه گسترش دارد را تبیین کرده‌اند. تبیین تضادها یا از مقابله میان الگوهای نهادی

جاسه و نیازهای اساسی فرد صورت‌سی گیرد و یا از آمادگی درونی و یا از تضادهای میان هنجارها و نهادهای متفاوت اجتماعی ناشی می‌شود.

یادداشتها

1 - Les institutions Sociales

- ۲- «زنها را ای پسر که در نهاد زکوة و حج دل شک نداری» قابوسنامه، باب چهارم «اندر فزونی طاعت...».
- ۳- «چون برسفره نشینند خاموش نباشند و ابتدا بنام کنند، و چیزی نکنند از نهاد و برداشت که اصحاب را از آن کراهتی باشد». کشف المحجوب هجویری
- ۴- «اگروی را امروز براین نهاد یله کنیم، آنچه خواسته آمده است. از غلام و بیل و استر و اشتر و سلاح فرستاده آید» تاریخ بیهقی
- ۵- «چوداری نهاد پرستش نگاه ببخشم ترا آنچه کردی گناه» فردوسی طوسی
- ۶- «شکستن سپه و دستگیر کردن خصم نهاد و رسم و ره و سنت و شعار تو باد» سوزنی سمرقندی
- ۷- «ولایت پارس پنج کورت است، هر کورتی به پادشاهی کی نهاد آن کورت با آغاز کرده است» فارسنامه ابن بلخی
- ۸- «و دیگر بیعت عام کردند، اسیر با جعفر را و کار بر و قرار گرفت و سپاه جمع شد از موالی و سرهنگان و آزادگان سیستان همه یکدل و یک نهاد و تشویش از میان برخاست». تاریخ سیستان
- ۹- «اسیر ناصرالدین از سر کرم و مکرمت که در نهاد پاک او بود، بدان راضی شد و خواست که اطراف آن کار فراهم گیرد» ترجمه تاریخ یمنی
- ۱۰- «که دگرگون شدند و دیگرسان به نهاد و به خوی و گونه و رنگ» فرخی سیستانی
- ۱۱- «که بنده امیدوار است که به صحبت ناصحان تربیت پذیرد و خوی خردمندان گیرد که هنوز طفل است و سیرت بغی و عناد آن قوم در نهاد او متمکن نشده». گلستان سعدی
- ۱۲- لغت نامه فرانسه - فارسی و انگلیسی - فارسی حیم.
- ۱۳- سیادی و اصول جامعه‌شناسی ص ۱۶۴ به نقل از تقریرات دکتر غلامحسین صدیقی در درس جامعه عمومی فوق لیسانس علوم اجتماعی سال ۴۰-۱۳۳۹.
- ۱۴- ر-ک Alain Birou, Vocabulaire Pratique des Sciences.
- Emilio willemes, Dictionnair de Sociologie
- ۱۵- نرمان-ل-مان، اصول روان‌شناسی ص ۱۰۰

- ۱۶- موريس دوورژه، جامعه‌شناسی سیاسی ص ۱۲۶-۱۲۵
- 17 - Auguste Comte
- 18 - Statique
- 19 - Dynamique
- 20 - Monuel de Sociologie, tome 1. p. 17
- ۲۱- الکس انکلس، جامعه‌شناسی چیست ص ۱۰
- 22 - Herbert Spencer
- ۲۳- الکس انکلس، جامعه‌شناسی چیست ص ۱۱-۱۲
- 24 - Emile Durkheim
- ۲۵- امیل دورکیم، قواعد روش جامعه‌شناسی ص ۱۹
- 26 - Alex Inkeles
- ۲۷- الکس انکلس جامعه‌شناسی چیست ص ۲۴
- ۲۸- همان کتاب ص ۱۰۳
- 29 - Hertzler
- ۳۰- ساموئیل کنیک، جامعه‌شناسی ص ۱۲۹
- 31 - M. Mauss
- 32 - Fauconnet
- 33 - Mac. Iver
- ۳۴- علی اکبر ترابی، مبانی جامعه‌شناسی ص ۳۴
- 35 - A Dictionary of the Social Sciences, p. 338
- 36 - Lester ward
- 37 - H. Perat
- ۳۸- ساموئیل کنیک، جامعه‌شناسی ص ۱۲۹
- ۳۹- حشمت‌الله طبیبی مبادی و اصول جامعه‌شناسی ص ۱۶۴
- 40 - J. S. Roucek
- 41 - R. L. Warren
- ۴۲- رولند وارن مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ص ۲۴۶
- 43 - Structure Sociale
- 44 - T. Parsons
- 45 - Status relation - ship.
- 46 - Dictionary of the Social Sciencs. p. 338
- 47 - Hobhouse
- ۴۸- ساموئیل کنیک جامعه‌شناسی ص ۱۲۹
- 49 - Fuction
- 50 - W. F. Ogburn
- 51 - M. F. Nimkoff

۵۲- زمینه جامعه‌شناسی ص ۲۷۰

53 - E. B. Reuter

۵۴- الکس انگلس جامعه‌شناسی چیست ص ۱۰۳

55 - B. Malinoweski 56 - Anthropologist

۵۷- جامعه‌شناسی ارزشها ص ۱۷۵ به نقل از

Cultuer. Encyclopedia of social sciences

58 - W. G. Sumner

59 - A. G. Keller

۶۰- سامونیل کنیک جامعه‌شناسی ص ۱۲۸

61 - R. linton

62 - Vocabular Ethnologique

63 - M. Haurio

۶۴- ژرژگورویچ، جامعه‌شناسی حقوقی ص ۱۳۶

۶۵- علی شریعتی -بازشناسی هویت ایرانی ص ۱۰

۶۶- الکس انگلس، جامعه‌شناسی چیست ص ۱۰۴

۶۷- موریس دوورژه، جامعه‌شناسی سیاسی ص ۱۲۶-۱۲۴

68 - G. Gurvitch

۶۹- ژرژگورویچ، جامعه‌شناسی حقوقی ص ۱۳۷

۷۰- باتومور، جامعه‌شناسی ص ۱۲۳

۷۱- الکس انگلس، جامعه‌شناسی چیست ص ۱۱-۱۲

۷۲- همان کتاب ص ۱۰۳

73 - Manuel de Sociologie, Tome 1. P. 17

۷۴- الکس انگلس جامعه‌شناسی چیست ص ۱۴

۷۵- همان کتاب ص ۱۵

76 - L. H. Morgan

۷۷- هیس، تاریخ مردم شناسی، کلاف سردرگم خویشاوندی

78 - J. Lubock

۷۹- هیس، تاریخ مردم‌شناسی ص ۸۲

80 - N. D. Fustel de Coulanges

۸۱- فوستل دوکولانژ، تمدن قدیم Le Gilé antique

82 - Institutions Primarres (Primary Institutions)

83 - Institutions Secondaires (Secondary institutions)

84 - J. O. Hertzler

۸۵- ساموئیل کنیک جامعه‌شناسی ص ۱۲۹

۸۶- زمینه جامعه‌شناسی ص ۱۶۹

۸۷- رولند وارن، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ص ۱۴۹

۸۸- علی شریعتی بازشناسی هویت ایرانی ص ۱۰

۸۹- مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ ص ۱۸

۹۰- زمینه جامعه‌شناسی ص ۲۶۶

۹۱- حشمت‌الله طبیبی. مبادی و اصول جامعه‌شناسی ص ۱۶۸

92 - les, Institutions - groupes

۹۳- گوروویچ جامعه‌شناسی حقوقی ص ۱۳۹ همچنین Dictionnaire de Sociologie

94 - Institution choses

۹۵- گوروویچ، جامعه‌شناسی حقوقی ص ۱۴۱

مطالعه دانش عامیانه (هنر-رسوم و عادات و سنن) Folklorique - 97

96 - Institutionalized

98 - International Encyclopedia social sciences p. 410

99- Institutionalization

100 - Social norm

۱۰۱- زمینه جامعه‌شناسی ص ۲۷۰

102 - Structur

103 - Function

۱۰۴- زمینه جامعه‌شناسی ص ۲۶۶

۱۰۵- رولند وارن مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ص ۱۴۷

106 - H. E. Barnes

۱۰۷- باتومور، جامعه‌شناسی ص ۱۲۳

108 - C. L. Strauss

109 - International, Encyclopedia. Social Sciences p. 411

110 - M. Fortes

111 - E. Pritchard

112 - African political system, 1940

113 - Féodalité

114 - Patrimonial

115 - Ecologie

116 - Murdock

117 - International, Encyclopedia, Social Sciences F. 411